

بخش اجتماعی

بقلم دکتر افشار

درخور توجه عموم و اولیای امور

سینما در ایران

یابگی از مدرسه‌های (فنی) و عملی فساد

سینما یکی از اختراعات سودمند و شادی بخش این عصر است. اگر چند تن پول پرست کم کم آنرا مبدل بیک وسیله فساد اخلاق فردی و اجتماعی کرده‌اند گناه در صنعت سینما یا مخترع آن نیست. بر دوئتها، که نظم جامعه با آنها سپرده شده، واجب است تا از زبانهای آن جلوگیری کنند و مردم از خویبهای آن سود ببرند.

بیشتر این فیلمهای امریکائی یا اروپائی، که برای محیطی غیر از محیط ما تهیه شده، جز گمراه کردن و ناپرهیزگار نمودن جوانان و زنان، بداخلاق و بی تربیت بار آوردن کودکان، برای ما هنری ندارد.

بسی از فیلمها هم که در ایران تهیه شده چون بی‌مزه و ناشیانه بوده است نتوانسته با فیلمهای فرنگی همچشمی کند و جای آنها را بگیرد و وظیفه دولت و مجامع ادبی و هنری بود که برای این کار مهم اندیشه درستی کرده باشند - که نکرده‌اند!

مفسده‌های شومی که از سینما بیرون می‌آید مرزو بومی ندارد: کوچک و بزرگ، کوچه و بازار، شهری و دهاتی، سپاهی و بازاری، خانه‌نشین و اداری، همه جا و

فسادهای
سینما

هرکس را آلوده کرده است! عشق‌بازیهای هوس‌آلوده، بی‌علاقه شدن بخانه و خانواده، «آرتیست‌بازی» دختران مدرسه، بی‌بندوباری برخی مردان و پاره‌ای زنان، ناسازگاری اینان با شوهران خود، گسیخته شدن بسیاری از زناشویی‌ها، بعضی دزدیهای تازه‌درآمد، بدکاریها و ناپکاریهای نو پیدا شده، حادثه جوئی و قهرمان بازی و «گانگستر» شدن گروهی از جوانان، حرف‌ناشنوی کودکان.... و بسی چیزها و صفتهای ناپسند دیگر، همه این «هنرها» از سینما و تقلید از «هنر-پیشگان» سرچشمه میگیرد. «هنرهائی» که خانمها و ناپختگان از گفتار و کردار،

لباس و رفتار، در پرده‌های خیالی سینما فرامیگیرند در صحنه حقیقی زندگانی بکار میرند، غافل از اینکه همه چیز برای تقلید نیست. نمیدانند که همین تقلیدها ممکن است روزی آنها را بیاد دهد.

مولوی در هفتصد سال پیش وقتی که هنوز اینهمه وسائل تقلید فراهم نبود گفته:

خلق را تقلیدشان برباد داد، ای دوصد لعنت بر این تقلید باد!

اثر فساد آمیز سینما در روحیه زنان تازه به آزادی رسیده و جوانان و دختران سرد و گرم روزگار نچشیده مسلم است، ولی از آن بدتر تاثیر بدیست که در دل و مغز نارس کودکان دارد. امروز حتی دختر بچه های مدرسه میخواهند از لوندیهای فلان «آرتیست» تقلید کنند. زمانی بود که زلفکان خیلی کوتاه (اینگرید برگمن) را تقلید میکردند، اکنون میخواهند خود را شبیه (بریزیت باردو) بسازند! کاش تقلید از هنرپیشگان سینما منحصر به همین مد بود! در همه امور زندگانی میخواهند از سینما سرمشق بگیرند.

مقلدان نمیدانند همان آرتیستها هم، چه زن و چه مرد، چون بخانه میروند روش دیگر دارند و مثل بچه آدم زندگانی میکنند. همین (لولوبریجیدا) یا (چارلی چپلین) معروف نیز بخانه و زندگی بیشتر علاقه دارند تا بصحنه سینما. (گرس کلی) که اکنون ملکه (موناکو) میباشد، با اینکه در سینما بزرگ شده، با شوهرش و با مردم مثل آدم زندگانی و معاشرت میکند.

چون زنان و جوانان ایرانی در محیطی دیگر از محیط امریکا و اروپا بزرگ شده، از وضع داخلی واقعی و خانوادگی فرنگیان آگاه نیستند، بیش از دختران و جوانان اروپائی و امریکائی از این فیلمها زبان میبرند. با وجود این تفاوت محیط و تربیت هم اکنون در خود اروپا بسفاسد فیلمهای عشقی و پلیسی پی برده در اندیشه چاره هستند که قدری دورتر در همین مقاله از آن سخن خواهیم راند. نه تنها زنان ناپخته و دختران و کودکان بلکه بعضی مردان و جوانان «رسیده» ایرانی (اماساده لوح) نیز از سینما کارهای بد یاد میگیرند. این ساده لوحان گمان میکنند با تقلید کردن از رفتار و گفتار فلان هنرپیشه شخصیتی پیدا خواهند نمود. بد نیست نتیجه یکی از صحنه های سینما را که در امریکا دیده ام برای تفریح خوانندگان نقل کنم.

سیاه پوستی در روی پرده سینما می بیند فرنگیانی که در بیرون خانه ادب و احترام بسیار نسبت بخانه های خود بجا می آورند، همه جا آنان را جلو می اندازند، صندلی پشت میز ناهارخوری در رستوران عمومی پیشخدمت وار، کمی از میز عقب میکشند و هنگام فرود آمدن خانم بر آن با کمال مراقبت بجای اول

داستان کتک خوردن
«آقاسیاهی» که تقلید
از سفیدها کرد

میبرند تا بانوی محترم کترین ناراحتی حس نکند ، چون بخانه برمیگردند، در «اندرون» با بی‌اعتنائی روی کرسی راحت میلند، پارا عمودوار روی پای دیگر می‌اندازند، روزنامه میخوانند، بیانو فرمان میدهند و «ضعیفه» بیچاره باید همه زحستها را بکشد ، باین طرف و آنطرف بدود، میز غذا را بچیند، شام و ناهار را در آشپزخانه تهیه کند و بیاورد جلو «آقا» بگذارد، بعد هم که تناول کردند ظرفها را ببرد و بشوید ...

سیاهان در بیرون و اندرون - مانند خودمان - وضع معقولانه‌تری دارند : نه چنان بی‌نمکند نه چنین شور، نه آن تعارفهای ساختگی و دروغ را در خارج خانه بزنان میکنند و نه این «ناهمکاریها» را در داخل دارند . آن «آقاسیاه»، برای تقلید از تمدن فرنگی ، برآن میشود که چون بخانه باز گردد همان روش بی‌اعتنا آنه را با زن خود پیشه نماید . چنین هم میکند . بجای همکاری با خانم خود چنان که عادت او بود روی صندلی دراز میکشد، سیگاری زیر لب میگذارد، روزنامه‌ای بدست میگیرد و فرمان روی فرمان صادر میکند . «ضعیفه» که باین وضع عادت نداشته و این تغییر حالت را نمی‌پسندیده بی مقدمه لنگ کفش را بیرون آورده کتک جانانی به «آقا» میزند، باد شخصیت را از دماغ ویاد هندوستان را از سران سیاه پیلتن بیرون میکند !....

مقصود آنکه تقلید «شخصیت» کردن مردان هم گاهی آمد وزمانی نیامد دارد . نسبت به این آقا سیاه ، بحمدالله ، بدتمام نشد و بایک کتک خوردن آدم گردید . اما بعضی مردان و زنان از سینما کارهایی یاد میگیرند و در زندگانی بدنها عمل میکنند که آنان را بجنایت ، خیانت ، فحشا ، زندان و چوبه دار میکشاند ! دختران ساده فکر که در عالم خیال هزار تصویر باطل در دلهای صاف خود نقش می‌بندند ، جوانان کم‌اندیشه که در عنفوان جوانی و در کوره گدازانی هستند ، کودکانی که هنوز مغزشان بسته است ، زنهایی که تازه چندسال است چادر از سرشان برداشته‌اند بدون اینکه آنها را از پیش برای استفاده درست از آزادی لازم وسودمند آماده کرده و از خطرهایی که در راه آزادی مطلق است آگاه نموده باشند (باستثناء آنان که تربیت صحیح یافته بودند) ، از این فیلمهای تهیه شده برای اروپا و امریکا، که مردمشان بامردم ما فرق فراوان دارند ، نتیجه‌ای نمیگیرند جز شعله‌ور کردن آتشیهای نهفته و بیدار ساختن هوسهای خفته !

اثر و نفوذ سینما

اثری که سینما در روحيات و طرز فکر افراد و نفوذی که در اخلاق اجتماعی مردم در روبرو شدن با مسائل زندگانی دارد خیلی بیش از اینهاست مخصوصا در کودکان، دختران،

جوانان و زنان که بیش از مردان «رسیده»، «پخته» و «آزموده» از مرحله‌های حقیقی زندگی دورند و صفحه‌های خاطر یا ضمیر ناآگاهشان آماده پذیرفتن نقشهای خیال است. تصور بدی که يك دختر یا پسر میتواند از يك رمان عاشقانه بد در خاطر خود داشته باشند باندازه نفوذ تصویری نیست که فیلم سینما بواسطه زنده‌تر و مجسم‌تر بودن نقشهایش در روحیه آنان دارد.

سینما دنباله و مکمل همان رمانهای عاشقانه یا پلیسی بی‌سروته خیالی است. تهیه‌کنندگان فیلمها نیز مانند برخی از رمان‌نویسان عشقی و پلیسی پس از بیان داستانهای دروغ و معاشقه‌های شهوت‌انگیز دو کلمه هم در آخر از «اخلاقیات» می‌گنجانند تا بگویند کار بد نتیجه خوب ندارد. میخواهند بعمل فساد آمیز خود عنوان اخلاقی و اجتماعی خوب بدهند! خردمندان میدانند پس از آنکه در اوراق یا پرده‌هایی چند صد گونه عشق‌بازیهای شهوت‌انگیز یا نابکارهای جنایت خیز بدختران و بچوانان آموختند و راههای آنها را نشان دادند آن چند کلمه یا حرکت پندآموز مصلحت آمیز نمیتواند آثار نقش بسته ثابت در ضمیر را، جز شاید برای اندک‌زمانی، از میان ببرد. پیچ‌وخمهایی که در سراسر رمان یا در پرده‌های گوناگون سینما بداستان گمراه کننده خود داده‌اند چنان خواننده و بیننده را به اسارت میکشاند که راه خلاص برای آنها نمی‌ماند.

بیشتر فیلمها از روی رمانها تهیه میشود. میتوان گفت که سرمشء بسی از فسادها بعضی از نویسندگان مفسد میباشند. چون سینما صحنه‌های خیالی رمان را با اشخاص زنده که دیده میشوند روی پرده مجسم میکند، و از این رو که دیدار فیلم از خواندن رمان ارزاتر، آسانتر، شادی‌بخش‌تر و سریعتر انجام میشود، مؤثرتر است.

اینکه می‌بینید جوانان شما مانند خودتان و گذشتگان دل بدرس نمیدهند سبب عمده همین سینماها رمانها و مطبوعات گمراه کننده است. صحبت دختران در مدرسه از آرتیستهاست و بعضی پسران در کلاس درس هم رمان میخوانند! خلاصه فکرو ذکرشان همه در رمان و سینماست.

بدبختی دیگر اینست که کم‌کم اثر بد سینما به دهاتیها هم کشیده و دهقانان مارا هم که مردم پاکی بودند آلوده میسازد. سینما مانند کتاب رمان نیست که سواد

نخواستہ باشد و در دسترس همه کس نباشد. روستاها کلاس کشاورزی و درس علمی کشتکاری با اصول درست لازم دارد نه سینما و رادیو و تلویزیون! بلی، اگر میتوانستیم این سه چیز را هم برای روستائیان خود فقط از لحاظ همان پیشه خودشان و تقریحاتی که زیان بخش نباشد محدود کنیم بسیار خوب بود، اما چون یقین دارم این روش از دولت و ملت ما ساخته نیست ناچارم بگویم:

مرا بخیر تو امید نیست، شرمسان!

شنیده و نیز خوانده‌ام که در روسیه شوروی مراقبت زیاد میشود که روستائیان آلوده به پاره‌ای از آلودگیهای شهری نشوند. اگر صحت داشته باشد این از مواردیست که دولت ما میتواند از دولت شوروی تقلید نماید.

سینما در روسیه جائی که میتوان از روسها تقلید کرد نقل از روزنامه سوسی

من این چند کلمه را راجع بروستاها از این جهت مینویسم که میترسم اکنون که در ایران فکر و شاید جنبش خوبی بنظور ترقی دادن سطح زندگی دهقانان پیدا شده تصور کنند که ایجاد سینما هم در دهات از لوازم اولیه و حتمی تمدن و ترقی است و حتی پیش از آنکه مدرسه و حمام و درمانگاه برای دهاتیان بسازند و تراکتور و بذرافشان و خرمن کوب ماشینی در اختیارشان بگذارند سینما درست کنند اولیاء امور باید بدانند همانگونه که سینما شادی بخش است و میتواند سودمند هم باشد زیانهای مسلم هم دارد... خاصه در افکار ساده دهقانان. تصور میکنند که همیشه خواهند توانست زمام کار را در دست و همه را پای بست داشت و فیلمها را «کنترل» توانند نمود.

اگر مرا متهم بظرفداری از روسها و شورویها نکنند، که با هیچ عنوانی از عنوانها بمن نمیچسبد، زیرا من نه میتوانم طرفدار رژیم تساری روسیه باشم و نه هم روش بارژیم شوروی، خواهی گفت که از قرار آنچه در اروپا شنیده‌ام، اگر صحت داشته باشد، در روسیه فیلمهایی که از نوع بعضی از فیلمهای هرزه اروپائی و امریکائی باشد متروک یا ممنوع است. اگر برآستی چنین است هیچ عیب ندارد که در این کار ما از آنها تقلید کنیم. چه الزامی داریم که همه چیز را از ینک دنیا اقتباس نماییم؟ بر متصدیان امور است که تحقیق و رسیدگی بصحت این مطلب بنمایند. بر ما تنها یک وظیفه گفتن بود.

برای اینکه تصور نشود مطلب بی اساسی را بیان کرده‌ام - که هیچ وقت نمیکنم - اشاره بمقاله‌ای میکنم که سرکشیش فرانسوی شهر نانسی در مجله «هفته

مذهبی» پاریس (۱) نوشته و روزنامه (کوریه) ژنو (۲) چند سطری از آنرا در سرمقاله خود نقل نموده است و من عیناً از این جریده ترجمه میکنم :

«منوع برای کمتر از شانزده سال» (این عبارتیست که بعضی از سینماها روی اعلانهای فیلم خود میگذارند و نمونه آنرا در عکسی که ما در همین شماره چاپ میکنیم ملاحظه مینمائید . مترجم)

«هیچ چیز بی‌شرمانه تر از این اخطار نمی‌شناسم که بعضی فیلم چپا برای تزئین تبلیغات خود بکار میبرند .»

«چه اقراری !»

«یعنی متاع ما فاسد avariée ، خطرناک dangereuse ، زهرآلود

emPoisonnée و نفرت انگیز degoutante است .»

«تصور کنید ، یک تاجر - نانوا ، عطار ، قصاب - چنین اعلان کند که کالای او زیان‌آور است و برای بعضی مزاجهای ضعیف خطرناک . فوری صاعقه خشم مردم ، پلیس و قوای دولت بروی او فرو خواهد آمد ، زیرا احتمال حادثه‌ای برای بهداشت و سلامت مزاج جسمانی در کار است . اما ، اینجا در سینما موضوع بهداشت روح و پاکی قلب در میان است ...»

«اگر شانزده سال و یک روز داشتند میتوانند باخیال راحت ناظر مناظر فسادآمیز باشند . اگر شانزده سال منهای یک روز است باید احتیاط کرد !»

روزنامه سویی خود می‌افزاید :

«روشن است که دیدن بعضی نمایشها برای بزرگسالان درخور گذشت است ولی برای کودکان و جوانان نیست . همین طور است نسبت بکتابها و مجلاتی که بعضی از آنها خیلی بی‌باکانه چیز مینویسند و سالمندان میتوانند آنها را بخوانند و شاید زیان نبرند ، ولی بدست بچه‌ها و جوانها نباید بیفتد . اینها نمیتوانند مطالب سودمندی اگر در چنین مطبوعاتی باشد هضم کنند در صورتیکه چیزهای بدانها را جذب خواهند نمود ... (۳) با چنین اعلانهای سینماها بزرگسالان را بیشتر متوجه و

(۱) Semaine Religieuse

(۲) - le courrier - ورخ ۸ نوامبر ۱۹۰۹ - ولی تاریخ مجله مذهبی را معین نکرده مینویسد : در یک شماره اخیر . کانیکه بخوانند مقاله کوریه را ببینند در نزد اینجانب موجود است .

(۳) - در مدرسه شبانه روزی سویی که پسر من آنجا بود خریدن و خواندن مجله‌های باصطلاح مخصوص کودکان هم ممنوع است و جریمه دارد . از طرف مدرسه بدیوار اعلان شده بود که این مجلات بقصد تجارت منتشر میشود نه راهنمایی کودکان .

بهرتر بسوی خود جلب میکنند ... بیشتر این فیلمها که عنوان اخلاقی روی آنها میگذارند بهانه‌ای بیش نیست تا بهتر بتوانند شهوترانی را تحریک و جیبهای خود را پر نمایند.»

سپس روزنامه سوئی اضافه میکند :

«باید دانست که در روسیه انواع این فیلمها را که میدانند موجب فساد و انحطاط جامعه است ممنوع نموده‌اند. اما ما آزاد هستیم ... آزاد هستیم که هرطور دلمان میخواهد برقصیم و کوتاهی هم نسکنیم. از بعضی از این رقصها آلوده شده بیرون می‌آئیم ... اگر اینست راه آزادی بدانیم و خواهیم دید که ما را در لجن‌زاری غرق خواهد نمود که بر روی آن شوروپها، این خدانشناسان و شیطانها، بزودی و بی‌چون و چرا فرمانروائی خواهند کرد. بچه کار آید که ما از گرگ کمونیست فریاد برآوریم اگر خودمان بچه خوک را برای زیر دندان او پرورش دهیم! ... باید اول بتوانیم از این فیلمها، کتابها و مطبوعات ناپاک پرهیز کنیم و دیگران راهم پرهیز دهیم ... من میدانم که مرا يك فرد خرافاتی و قهقرائی خواهند خواند، ولی اهمیت نمیدهم : در مراتب تقوا و نیکوکاری (عشق بخدا و عشق بجامعه) اصل پاك بودن بر همه چیز پیشی دارد ... تقواها يك خانواده هستند و از هم جدا نمیشوند. هرگز باور مکنید کسانی را که میگویند جاده عشق حقیقی را میتوان با همسفری عیاشی طی نمود. با گذشت زمان شهوترانی عشق واقعی را نابود میکند. از جدائیهها و بچه انداختن‌ها پیش از این صحبت کردیم ...»

«آری ، مسلماً آنچه مربوط به سینماست باید میان کودکان، جوانان و بزرگترها تمیز داد ... بدبختی به کسانی که نظم جامعه را با این وسائل بهم میزنند و باعث رسوائی میشوند : برای اینان بهتر است که سنگ آسیابی بگردشان بیندند و در دریاچه بیندازند پدران و مادران مراقب باشید : هیچ عنوان و بهانه همراه جریانی نشوید که شما را به نمایشهایی بکشاند که ممکن است آلوده‌تان سازد. شما خانه و خانواده و کودکان خود را بی‌آنکه بخواید و بدانید آلوده خواهید کرد ... هیچ چیز در دنیا به اندازه قلب کودکان و روح خانواده حساس و قابل تاثیر نیست.»

در خاتمه سرمقاله خود روزنامه سوئی خطاب به کودک شیرخوار خود که در گهواره خفته بوده است چنین مینگارد :

«ای طفلک کوچک من، ای نازنین شیرین، که هرروز روی گهواره تو خم میشوم ، من در اندیشه تو هستم ! ... در قلب خود من این سطور را بتو اهدا میکنم که بعدها روزی که بزرگ شدی شاید بخوانی . خدا نخواسته باشد که هرگز يك قدم خطا بردارم ، یا نفسی ناپاک برآورم ، مباد که آب زلال روح بلورین تورامتزلزل

کنم! وقتی بزرگ شدی بدیها و کشاکشهای آنها را خواهی شناخت امید است آنوقت تصویر پدر خود و این خاطره‌های مبهم ولی نیرومند که بی اندازه در مقدرات مؤثر است ترا در زندگانی بکار آید، ای طفلک عزیز من! زیرا خیلی رنج و تاریکی در راههای زندگانی داریم.»

وقتی سوسیها که صدها فرسنگ از روسیه دورند رابطه علت و معلول میان مطبوعات و فیلمهای بد و نفوذ کمونیسم می بینند و میترسند تکلیف ما که همسایه دیوار بدیوار شورویها هستیم معلوم است.

امیدوارم پدر و مادرهایی که دعای این روزنامه نویس سوسی را که درباره خود و طفلش نموده میخوانند بخود آیند و بخاطر بسپارند و هر زمان میخواهند بسینما بروند تا صد درصد مطمئن به فاسد نبودن فیلم از لحاظ اخلاقی و اجتماعی نباشند قدم رنجه نکنند... و بچه‌های کوچک و دختران و پسران خود را هم اصلا نبرند تا زمانی که دولت ما هم مانند سوسی قراری برای این کار بگذارد و فیلمها و سینماها را از لحاظ سن و سال تماشاکنان درجه بندی کند. از طرف دیگر باید خود مردم و سینماها و جوانان که میخواهند بسینما بروند این خواهش را از دولت بکنند و انجام آنرا در سریعترین وقت بخواهند زیرا بسیار دیر است که این کار میبایست شده باشد. برای اینکه خوانندگان تصور نکنند که روزنامه‌ای که این مطالب را در مقاله اساسی خود نوشته مطلب دیگر نداشته یا روزنامه غیر مهمی میباشد باید بگویم که امسال نود و دومین سال تاسیس آن است! و بواسطه اهمیتی که موضوع داشته آنرا سرمقاله نموده است.

امیدواریم خوانندگان محترمی که با اهمیت موضوع از نظر جامعه و خانواده خود پی برده اند دیگران را متوجه نمایند و از آن در مجامع خصوصی و عمومی بحث و در کانون خانواده صحبت نمایند و بدین وسیله يك نوع جریان افکار و بلکه «افکار عمومی» ایجاد کنند. در اروپا و امریکا که مردم موفق میشوند منظورهای اجتماعی خود را پیش ببرند بهمین وسائل دست میزنند. اما در ایران هر کس منتظر است دیگری بکند و پیش خود خیال میکنند که بیک نفر گفتن یا کردن چه اثری دارد! اشتباه از همین جا است. فرض کنید صد نفر هستیم. اگر هر يك تصور کند که دیگران میکنند و بیا يك نفر او فرق نمیکند - چنان که عادت ما ایرانیان است و این ناشی از تنبلی و بی فکری میباشد - کار مورد نظر انجام نمی‌یابد زیرا همه همین طور فکر میکنند. اما اگر برعکس - چنان که رسم اروپائیان است - بنمائیم، یعنی هر يك بگوید: من وظیفه و سهم خودم را خواهم کرد و کار بکردن و نکردن دیگران ندارم آن کار محققا صورت میگیرد. حال برای يك دفعه خوب است مردم این روشی را که من

نشان دادم و در همین موضوع بخصوص که نه سیاسی است و نه مذهبی، نه مخالف مصلحت فلان دولت قلدرا یا حيله گر بیگانه که تحریکاتی بکنند و اشکالهایی بتراشند، جریانی از افکار ایجاد و کم کم «افکار عمومی» بتمام معنی بوجود آورند و این کار را از پیش ببرند.

از این دو مقاله که مطالبی نقل کردیم ملاحظه فرمودید که چگونه دو انتهای دور از هم - یعنی کشیشان و اشتراکیها - بیکدیگر نزدیک شدند، و برای حفظ جامعه خدا پرستان مسیحی باخداشناسان روسی در يك موضوع معینی دمسازو هم آوازند.

ما هم خواستیم قسمتی از مطالب گفتنی خود را از زبان آنها بیان کنیم که گفته اند:

«خوشتران باشد که سر (دلبران) گفته آید در حدیث دیگران»

درسویس که مهد آزادیست دهکدهای روزنامه فروشی آزاد نیستند که عکسهای تمام لخت را در نظرگاه مردم بیاویزند، زیرا میدانند که آزادی با «ول بودن» فرق دارد. آزادی نیکه از حدود خود خارج شود و بحقوق و منافع مسلم (نه مشکوک) جامعه خسارت وارد آورد آن «آزادی» نیست. اما تشخیص این هم تنها با دولت نمیشد، تا بیهانه اینکه فلان آزادی برای مردم ضرر دارد از آزاد بودن ملت جلوگیری نماید. خود مردم، یا عبارت دیگر نمایندگان آنها که مجلس شورای ملی و سنا باشند، باید این تشخیص را بدهند و بموجب قوانین حدود آزادیها معین شود.

در سویس چند سال است که دیدن هر فیلمی برای کودکان، دختران و پسران آزاد نیست. در جلو سینماها و در اعلاناتهای آنها در روزنامهها سن و سالی که برای دیدن هر فیلم مجاز است آگهی میشود: فلان فیلم برای کمتر از هفت سالهها ممنوع است. - از ده سالگی بیلا میتوان آن فیلم دیگر را دید - سن ورود فلان سینما از دوازده سال است - کمتر از شانزده سالهها حق ورود به این سینما را ندارند باید هیجده سال تمام داشته و وارد نوزده سالگی شده باشند تا بتوانند به سینماهای دیگر وارد شوند.

ما عیناً يك قطعه آگهی سینماها را از روزنامه گازت دولوزان مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۵۹ قیچی کرده عکس آنرا در همین جا بنظر خوانندگان میرسانیم تا تصور مبالغه در سخن ما ننمایند و بهیچیند بهمین شرحی که نوشتیم نوشته و چاپ شده و ما فقط بخط و زبان فارسی توضیحی در اعلان اضافه کردیم.

این عکسی را که ملاحظه میفرمائید مربوط به ۱۵ سینمائیست که منحصرأ

سینما در سویس
حفظ اخلاق اجتماعی

Cinéac

Tél. 22 74 99

Permanent de 14.00 à 23.00

Les deux célèbres comiques

LAUREL ET HARDYMONTEURS DE RADIO
2 dessins animés - Enfants 7 ans
Les actuelles**Colisée**

Tél. 23 51 25 - 23 51 77

20.30

Eastmancolor - Pour Noël un grand
spectacle de famille.
charme... et émotion...
BONJOUR JEUNESSE

(L'orpheline des glaciers)

Déd. Rysel, Chr. Fourcade - J. Boitel

Matinée : Mercredi 14.30

Des 10 ans

Lido

Tél. 23 21 44

14.30 - 17.00 - 20.30

Fr. Flynn, Oi. de Havilland, Cl. Rains,
Basil Rathbone dans le glorieux film de
Michael Curtis**ROBIN DES BOIS**

(Robin Hood)

Vers. or. 5-titr. - Enfants dès 7 ans

Métropole

Tél. 23 62 22

14.30 - 17.00 - 20.30

Ire vision. Le plus somptueux et le plus
gai des spectacles de familles.

LA FAMILLE TRAPP EN AMERIQUE

avec Ruth Leuwerik

Admis des 7 ans. - En couleurs

Attention : Ne pas confondre, ce film
passe en Ire vision**Moderne**

Tél. 26 28 77

15.00 - 20.30

Leslie Caron - Fred Astaire
et les célèbres baffets de Roland Petit

PAPA LONGUES JAMBES

Du rythme, du rire, d'après le fameux
roman de Jean Webster. Parle français.
Cinéma-scope couleurs de luxe - 12 ans**Montchoisi**

Tél. 26 05 87

15.00 - 20.30

Farbfilm. Ein musikalisch-beschwingtes
Lustspiel mit neuen Schlagern

DER FREMDENFUHRER

VON LISSABON

mit Vico Torriani, Inge Egger,

Mara Lane, Mady Rahl

Ab 16 Jahren

Palace

Tél. 22 13 30

14.30 - 17.00 - 20.00 - 22.10

WALT DISNEY

vous offre le plus beau cadeau de Noël

La Belle au Bois dormant

sa toute dernière création

En couleurs - Admis dès 7 ans

Rex

Tél. 23 43 31

14.30 - 17.00 - 20.00 - 22.10

Pour la première fois à Lausanne
Le nouveau super-triommée de J. Gabin
MAIGRET ET L'AFFAIRE ST-FIACRE

d'après le roman de Georges Simenon

Michel Auclair - Valentine Tessier

Robert Husch - Paul Frankeur

Age : 16 ans - Faveurs suspendues.

**CINEMAS
LAUSANNOIS****A. B. C.**

Tél. 22 35 52 - 22 35 53

14.30 - 17.00 - 20.00 - 22.10

Un film comme vous n'en avez jamais vu

LA JUMENT VERTE

avec Bourvil, Fr. Blanche, S. Milo, etc.

Admis dès 18 ans révolus

Athénée

Tél. 23 24 12

14.30 - 17.00 - 20.30

Le plus brillant spect. de cape et d'épée
mouvemente, captivant, mystérieux.**LE BOSSU**

Jean Marais - Bourvil - Sab. Sesselmann

Ire suisse, en même temps que Paris et

Bruxelles. - Scope, coul. - Des 10 ans

Atlantique

Tél. 22 11 44 - 11

14.30 - 17.00 - 20.30

Le meilleur spectacle pour les fêtes

VOULEZ-VOUS DANSER

AVEC MOI ?

avec Brigitte Bardot, Henri Vidal

dans son dernier film.

Admis dès 18 ans révolus

Bel-Air

Tél. 23 53 12

14.30 - 17.00 - 20.30

En grande première suisse. - Vous serez
entraîné dans le monde fastueux de

SALOMON ET LA REINE DE SABA

La grande réalisation de King Vidor,

l'éclatant triomphe de G. Lollobrigida.

Yul Brynner. - P. franc. - Technicolor

P. de places imp. de fr. 2.50 à 4.-

Pour la 1^{re} fois 1 film en 70 mm.**Bio**

Tél. 22 35 26

14.30 - 17.00 - 20.30

AU MÉPRIS DES LOIS

Un film d'aventures avec Jeff Chandler

Couleurs - Parlé français

Admis dès 12 ans.

Bourg

Tél. 22 86 22

4^{me} semaine - Comme progr. de fêtes

Vu la longueur du film, 2 séances à

15 h. et à 20 h.

Le film éternel de Marcel Carné

LES ENFANTS DU PARADIS

v. Arietty, J.-L. Barrault, P. Brasseur,

P. Renoir, M. Casarès, L. Salou

Sous-titré allemand - Des 16 ans.

Capitole

Tél. 22 51 32

14.30 - 17.15 - 20.30

Un super Hitchcock

LA MORT AUX TROUSSES

Le film le plus diabolique du grand

maître du suspense !

C. Grand, Eve-Marie Saint, J. Mason

Des 16 ans - Vista-Vision - Technicolor

در لوزان وجود دارد. در این ۱۵ سینما اینطور قیدشده است: چهار تا برای هفت ساله‌ها، دوتا برای ده‌ساله‌ها، دوتا برای ۱۲ ساله‌ها، چهارتا برای ۱۶ ساله‌ها و دوتا برای ۱۸ ساله‌ها. البته برای هرکسی از سن نوزده سالگی همه این سینماها آزاد است ولی از سن ۷ به پائین اصلا سینما مجاز نیست. گاهی اجازه داده میشود که در فیلمهای بکلی بی‌ضرر که هیجان‌آور نباشد کودکان کمتر از هفت‌سال نیز شرکت جویند و در این صورت هم آگهی میشود. این صفحه اعلانی که ملاحظه میفرمائید مربوط به ۲۸ دسامبر یعنی عیدهای بزرگ میلاد مسیح و نوروز فرنگیان است و بچه‌ها و جوانهای مدرسه رو دو هفته تعطیل دارند. باین واسطه ورود بیشتر سینماها را برای آنها آزاد گذاشته‌اند یعنی در اینروزها به سینماها دستور داده‌اند که فیلمهایی که برای جوانان مضر نباشد نمایش دهند. در روزهای عادی اینطور نیست. در روزنامه (تریون دولوزان) مورخ ۸ نوامبر که اکنون در جلو من است می‌بینم که از ۱۵ سینما فقط یکی برای کودکان بطور کلی آزاد است و دوتا برای بچه‌های هفت‌ساله بیلا و چهارتا برای ۱۶ ساله‌ها و دوتا برای ۱۸ ساله‌ها. برای ده و دوازده ساله‌ها در آن هفته دیدن فیلمی خاص آزاد نبوده مگر آنچه برای از ۷ ساله پائین مجاز شناخته شده. ملاحظه میفرمائید کشورهایائی که خیلی از ما آزادتر هستند و محیط آنها پذیرفتن و ضرر کمتر دیدن از فیلمهای محرک مساعد است چون به حسن اخلاق اجتماعی اهمیت میدهند تاچه اندازه مراقب هستند که حتی روزهای سال را بهم میسنجند و هرچیز را اندازه‌گیری میکنند.

بشرحی که گذشت معلوم میشود در کشورهایائی که هرکار مطالعه و حسابی دارد و در شهری بوسعت لوزان برای بچه‌های کمتر از هفت‌سال فقط ممکن است يك سینما باز باشد و نوع فیلمهای مخصوص دانش‌آموزان دبستانها هم از آن دبیرستانها فرق دارد. چون عادتاً جوانان در سن ۱۹ سالگی تحصیلات متوسطه را تمام میکنند و وارد دانشگاه یا کار میشوند و باصطلاح «از هرجهت» بالغ شناخته شده اند و ورود بسینماها آزاد است. آیا در ایران هم همینطور باید باشد؟ اگر باید حدودی برای سن مجاز رفتن بسینما معین شود همین میزان باید باشد که در سوئیس معمول است؟.... اینها مسائل مهم اجتماعی است که مطالعه و رسیدگی لازم دارد.

من سالهاست که بمقاسد سینما در روحیه کودکان و جوانان آگاه هستم و پیش از آنکه در سوئیس این احتیاطها را که اکنون دارند بکنند بافرااد خانواده خودم تا زیر سرپرستی من بودند اجازه نمیدادم که زیاد بسینما بروند. هرزمان میخواستم آنها را ببرم، چه آنها که در ایران بودند و چه آنها که در سوئیس، نخست خودم

میرفتم فیلم را میدیدم . اگر آنرا از لحاظ خلاقى بد نمى دانستم آنان را هدايت مى کردم و خودم پس از چند دقيقه نشستن بيرون مى آمدم . آنها چون نمى دانستند که مر قبلا آن فيلم را ديده ام تعجب مى کردند که چرا تا آخر نمى مانم تماشا کنم . وقتى خودم در سويس پيش بچه ها نيستم چون در مدرسه هاى شبانه روزى و زير مراقبت شديد هستند نگرانى چندانى ندارم . مع هذا

اين فيلمهاى «گل و گشاد» را بيشتر امريكائىها معمول کرده اند که در کشورشان آزادى اجتماعى خيلى فراخ است باندازه اى که با کشورهاى اروپائى هم قابل مقايسه نيست تاچهرسد بما کشورهاى شرقى که عادات و طبيعتهائى ديگر داريم . من اکنون نمى دانم که در امريکا اين مشکل اجتماعى را چگونه حل کرده اند . شايد که با آداب و اخلاق آنها اصلا اين چيزيکه در نظر سويسها يا ما براى جوانان و دختران نامناسب است بد نباشد ، زيرا کليه امور نسبي است نه مطلق . بهرحال از دو مقاله اى که نقل کرديم معلوم ميشود که در اروپا هم نسبت بکتب ، مطبوعات و فيلمهاى بد نگرانيهاى هست . ما که خيلى از آنها براى اينطور چيزها کمتر پرورش يافته ايم تکليفمان معلوم است : بايد خيلى بترسيم ، اندیشه کار خود را بکنيم و مانند آن نويسنده سويسى براى آينده فرزندان خود نگران باشيم . من از اين مسافرت دو ماهه که بسويس رفتم در اين باره چيز تازه اى نياموختم ، اما همين دو مقاله اشاره شده را که براى هموطنان به ارمغان آوردم ره آورد خويست ... اگر قدر آنها را بدانند .

اگر روزگار بهمين ناهنجارى بگذرد و دولت مجدانه بچاره جوئى و جلوگيرى برنبايد بايد منتظر روزهاى بدتر و فسادهاى بيشتر بود . همه را هم نمى توان از دولت انتظار داشت .
متاسفانه دولتها - بدولت کنونى برنخورد ، چه باصيغه جمع مىگوييم - براى حفظ خود ، براى نگاهدارى يك وضع خاص و پيروى از سياستهاى مخصوص ، يا رعايت دوستان و

چاره چيست ؟
توسل بدولت و
بهيجان آوردن
افكار عمومى
وضع مقررات سخت .

پولدارها و زورمندان (که کاخهاى سينما مال آنان است) گاهى نمى توانند يا نمى خواهند کار اساسى که بحال کشور مفيد باشد بکنند ، يا شايد هم نظرشان آقندر ژرف بين و دوراندیش نيست که بدبختيهاى آينده را که در کمين ملت است ببينند تا چاره کنند .

پس بر خود مردم است ، بر پدران و مادران هوشمند ، آموزگاران و خردمندان جامعه است که نگذارند اين وضع ادامه يابد ...

میگوئید اولیاء کودکان هم این مسائل را نمیدانند - بسیار خوب ! مجله آینده آمده و آماده است که سرزنش و ناسزا هم بشنود و مردم را دور از این گریوه بیسناک رهنمائی کند . اگر باز هم نخواهند توجه کنند دیگر گناه از خودشان است . من میدانم که بی خبران از همه جا و همه چیز زنان و مردانی را که مانند ما فکر میکنند و نگرانی دارند «امل» و قهرائی و مرتجع و خرافاتی (مانند آن سوسی) خواهند خواند . شاید هم بعضی هسفکران ما، ترس از این عنوانها و لقبها را، مهر خاموشی لب زنند . ولی ما اهمیت نمیدهیم و بیسی هم نداریم .

نباید از میدان این حرفها در رفت !

مامیدانیم :

«بکوشش توان دجله را پیش بست،
 «تو روی از پرستیدن حق میبچ،
 نشاید زبان بد اندیش بست !»
 بهل تا نگیرند خلقت بهیچ !»

شاید همانها که ملیونها از این راه درآمد دارند حاضر باشند صد هزار آنرا بیش از پیش خرج تبلیغات و رشوه دادن بنمایند که در کارشان کمبودی روی ندهد، ولی تو :

«بگوی آنچه دانی، که حق گفته به !
 نه رشوت ستانی و نه عسره ده!»

اگر مردم خود بیدار باشند و مطبوعاتی هم وجود داشته باشد که این مطالب را بگویند و بنویسند یا از یکدیگر نقل و اقتباس کنند و باین وسیله ها اقدام ضد تبلیغاتی بنمایند و دولت را نیز وادارند که حدودی و شرائطی برای فیلمها و سینماها معین کند، و با قانون مالیات سنگینی روی سینماها و مخصوصاً «فیلمهای لوکس» وضع شود و بموجب همان قانون مانع باشند و اجازه ندهند صاحبان سینما مالیات و عوارض را بروی بهای بلیط بکشند، البته وضع بد کنونی اصلاح پذیراست . ما در اینجا توضیحات بیشتر را لازم میدانیم . روشی که اکنون در سوئیس معمول است کاملاً برای ما کافی و مناسب نیست . برای ایران چنین پیشنهاد میکنم :

۱ - ورود کودکان را بطور کلی تا سن هفت سالگی در سینماها قدغن باید کرد . بیک یادو سینما در تمام شهر طهران اجازه داده شود که منحصراً فیلمهای کودکانه که بیش از یک ساعت هم طول نکشد و فقط صورتهای متحرک خنده آورو شوخیها و داستانهای بیچگانه و بچه فهم را نمایش دهد دائر باشد .

۲ - بدو سینما در دو نقطه دور از هم (مثلاً شمال و جنوب) پروانه داده شود فیلمهایی بنمایش درآورند که برای دیدن جوانهای از هفت تا چهارده سال مناسب باشد و کنترل شنید از طرف دولت در آنها ملحوظ افتد .

۳ - بدو سینمای دیگر دور از هم (فرضاً شرق و غرب) دستور داده شود که

فیلمهای مخصوص جوانهای از ۱۵ سال تا ۱۸ سال تمام بنمایش گذارند. البته هر طبقه مسن تر میتواند به سینمای مخصوص طبقه کم سن تر برود نه برعکس.

۴- اجازه ساختن هیچ سینمای جدید تا مدتی داده نشود تا بعد وضع شهر که رو بتوسعه است در نظر آورده شود.

۵- به بقیه سینماها نیز اجازه نمایش هر فیلسی را ندهند. اینها هم مجبور باشند هفته يك يا دو روز (پنجشنبه عصر و جمعه صبح وعصر که تعطیل مدارس است) فیلمهایی که در سینماهای مخصوص کودکان و جوانان نمایش داده میشود بکار برند تا کودکان و جوانانی که در نقطه های مختلف شهر هستند در روزهای تعطیل برای رفتن بسینما در زحمت نباشند.

۶- کمیسیونی باید برای این کار درست شود از کسانی که شغل اداری دیگری غیر از رسیدگی باین کار نداشته باشند و بصیرت و اخلاقی خوب و وطن پرستی آنان هم مورد تردید نباشد؛ نه اشخاص خرافاتی و قهقرائی باشند نه متجدد دو آتسه. خوب است که يك قاضی ورزیده، يك نفر دبیر فهمیده و يك تن استاد دانشگاه آزموده (روان شناس) و يك پزشك (روان شناس) هم در این کمیسیون باشند.

۷- پیش از خریدن و آوردن فیلمی به ایران باید موضوع آن را داوطلبان خرید به این کمیسیون بفرستند و پس از تصویب پروانه ورود برای آن بگیرند. پس از آنهم که وارد شد آن را نخست برای کمیسیون نمایش دهند تا اگر سانسوری باید بشود بکنند، سپس اجازه نمایش داده شود. زیرا وضع ایران دردمندانه اینطور است که اگر آوردند بهرنحوه است نمایش خواهند داد؛ پس بهتر آنکه هرچه بیشتر ممکن است احتیاط شود.

۸- قیمت بلیط باید اول بهمین میزانهای کنونی یا کمتر تثبیت شود، سپس درآمد و هزینه هر سینما را بوسیله ماموران باصلاحیت تقویم و تعیین کنند و يك سود عادلانه خالصی که از صدی دوازده در سال تجاوز نکند برای آنها منظور و بقیه یعنی میزان تفاوت را بعنوان مالیات بر درآمد دولت بگیرد - آنهم بصورت چسباندن تمبر بر پشت هر بلیط و باطل کردن آن باحضور خریدار و پاره کردن آن در مدخل سینما بوسیله ناظر (کنترولور)

۹- عایداتی که دولت از سینماها بوسیله تمبر فروشی بلیط حاصل میکند باید در حساب جداگانه بانك (نه شهرداری که مورد اعتماد نیست) نگاه داشت و بانظارت کمیسیونی که از نمایندگان مجلسین با انتخاب کمیسیون کشور در آن باشند خرج خریدن و ساختن باغها، پارکها، سیرکهای ثابت و سیار، بازیگاهها و

ورزشگاههای شهری و ویلاقی شود تا تفریحات دیگری هم غیر از سینما بطور فراوان و رایگان در اختیار مردم باشد و نتوانند مانند امروز بگویند: آخ! بابا! اگر سینما هم نرویم پس چگونه تفریح کنیم! باید وسائل را برای مردم فراهم کرد و بآنها یاد و عادت داد تا به تفریح گاههای بی‌زیان بلکه سودمند بروند و موجبات شادی دیگر هم در اختیار داشته باشند.

بعلاوه باید سینماها را مجبور کرد که به‌زینه خود و زیر نظارت دولت قرائتخانه و کتابخانه‌های عمومی مجانی (متوسط و کوچک متناسب بزرگی خودشان) دائر کنند نه باعکسهای سینما و رمان بلکه کتب ساده علمی و تاریخی، بهداشتی و نظائر آنها، تاب‌دین وسیله در قبال ضرری که ممکن است سینماها برسانند سودی هم از نظر فرهنگی داشته باشند.

۱۰) دولت باید صنعت فیلم‌برداری را تحت نظر همان کمیسیون و اهل فن در خود ایران ترقی دهد تا فیلمهای خوبی در خود ایران تهیه شود و جلو فیلمهای بد خارجی بکلی گرفته شود.

۱۱) باید تا اینکار نشده و برای همین کار هم اشخاص دانا و بینائی را معین کنند که فیلمهای روسی، هندی و ممالک دیگری را که در مسئله اخلاقی دقت کرده‌اند بررسی نمایند و اگر شایسته دانند از روش آنها پیروی کنند - البته نه از نظر اشتراکی روسی یا جوکی هندی بلکه از لحاظ اخلاقی.

در حیرتم چه نیاز ناگذشتنی ملت گرسنه ما به سینما داشت که چند سال است در خیابانهای طهران کاخهای بزرگ برای سینما مانند قارچ از زمین میرویدو مردم مانند قحطی زدگان بدانها روی آور میشوند! آیا بهمان نسبت هم برای مردم کتابخانه، قرائتخانه گردشگاه عمومی و مانند آنها دائر شده است؟ نمیدانم چگونه ادارهای مسئول به این آسانی امتیاز ساختن و دائر کردن سینما را میدهند. باید سرمایه‌داران را که رغبتی بساختمان دارند هدایت کرد بلکه باتشویق و ادا داشت که بجای سینما عمارت‌های بزرگ بصورت آپارتمان بسازند و تحت نظر دولت بقیمت ارزان چنان که در بعضی کشورها معمول است به اجاره مردم بی‌خانه بدهند.

پایان
و زاری‌نامه

وقتی در سوئیس سینما را برای کودکان و جوانان اینطور که شرح دادیم محدود کرده‌اند در ایران که زنان و حتی مردان آنها برای اینطور چیزها ناپخته هستند چه رسد بجوانان و کودکان چرا دولت و ملت تاکنون هیچ فکری نکرده‌اند.

واقعاً عجب مملکت شتر گاوپلنگی داریم! نه آن چادرهای سیاه را در این عصر نورانی بسر کنید و رو بگیرید و نه بروید سینما زهای لخت هرزه و حرکات نامعقول آنها را به بینید و تقلید کنید! شب هم که بسزل رفتید برای شوهران شاید هنوز ریش حنائی و پینه بر پیشانی خودناز و عشوه (سوفیالورن) و قزو غزه (لولو) را در آورید! یا با رفتاری دیگر و اطواری قبیحتر خانه خود و شوهران و آینده کودکان را خراب کنید! تقصیر بیشتر از خود مردهاست که زنها و کودکان خود را بسینما بی مطالعه می برند!

اگر اقلاً وزارت دارائی توانسته بود این چشمه درآمد سرشار را کشف و بهره برداری کند، و از سود کلانی که کسان از سینما میبرند درآمد شایان برای خود تهیه نماید، و بار مالیات بی نوایانی که از دوره گردی و پینه دوزی و مانند آنها زندگانی بخور نمیری میکنند و اخیراً مورد توجه وزارت دارائی برای پرداخت مالیات واقع شده اند و عجب تر که گویا مجلس هم آنرا تصویب کرده بکاهد، میتوانستیم شاید دل خود را باین خوش کنیم.

بهر حال منتظریم که بزودی بتوانیم نتیجه اقدام دولت را درباره مسائل گوناگون سینما که شرح دادیم در این مجله منعکس نماییم

(ژنو ۳۱ دسامبر ۱۹۵۹) دکتر افشار

غزل اجتماعی

از حافظ

همه آفاق پراز شورش و شر می بینم
 علت آن است که هر روز بتر می بینم
 قوت دانا همه از خون جگر می بینم
 طوق زرین همه در گردن خر می بینم
 پسران را همه بدخواه پدر می بینم
 هیچ شفقت نه پدر را به پسر می بینم

این چه شورا است که در دور قمر می بینم
 هر کسی روز بھی می طلبد از ایام
 ابلهانرا همه شریک ز کلاب و قند است
 اسب تازی همه مجروح بزیر پالان
 دختران را همه جنگست و جدل بامادر
 هیچ رحمی نه برادر برادر دارد

پند حافظ بشنو خواجه برو نیکی کن
 که من این پند به از در و گهر می بینم